



Integration of the Tax-Support System: A Strategy for Realizing the Unified Window of Support Services (Article 31 of the Seventh Development Plan)

Seyed Ahmad Ameli¹ , Iman Rafiee²

1. Assistant Professor, Department of Resource and Energy Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

ameli@khu.ac.ir

2. Ph.D. in Economics, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.

i.rafiee.p@gmail.com

Received: 2025/02/23; Accepted: 2025/05/30

Extended Abstract

Introduction and Objectives: Various support programs are implemented in different countries, and the nature of their relationship with the tax system reflects the underlying approach of fiscal and welfare systems. Programs can be considered *tax-based* when the support system is administered through the tax system—meaning that government assistance payments are financed through tax revenues and distributed either as cash transfers or other forms of benefits. Under such programs, the tax and welfare systems are fully integrated, covering each other both in terms of data and operational execution.

A welfare system detached from taxation leads to inefficiencies in revenue collection and redistribution. In systems where tax collection and welfare payments are separate, individuals and households may simultaneously pay taxes to the government and receive financial assistance (negative taxation). This underscores the necessity of moving toward an integrated tax-support system, where financial transparency ensures that individuals either pay taxes or receive support—but not both. Such integration improves income distribution and facilitates the establishment of a *unified window of support services* and an *electronic welfare profile* for individuals and households—an objective explicitly mentioned in Article 31 of Iran's Seventh Five-Year Development Plan under equitable income distribution policies.

Methodology: This study adopts a qualitative, descriptive-analytical approach. Given its applied nature, it examined the relationship between integrating the tax-support system and realizing the unified support services window (Article 31 of





Research Institute of
Hawzah and University

Journal of Economic Essays; an Islamic Approach (JEE)

Journal homepage: <https://jee.rihu.ac.ir/>



Original Article

the Seventh Plan). Data collection relies on library research and document analysis, drawing from domestic and international articles, books, and reports by relevant organizations. The research process involved:

1. **Conceptualizing Integration in Tax and Welfare Systems:** Combining revenue collection through taxation with welfare expenditure under a unified structure.
2. **Unified Support Services Window (Article 31):** Mandating the full implementation of a single portal for welfare services and electronic profiles, ensuring all cash and non-cash support is delivered through this platform.
3. **Objectives and Methods of Tax-Based Welfare Integration:** Summarized in the following typology:

Approach	Unconditional	Conditional
Cash	Negative Income Tax	Conditional NIT
Credit	Earned Income Tax Credit (EITC)	Tax Credit
Vouchers	Tax-Based Subsidies	

4. **Typology of Iran's Welfare Programs:** Analyzed based on financing methods, targeting, and conditionality, with tax-based vs. benefit-based systems as key differentiators.

5. **Enhancing Welfare Policy Efficiency:** To achieve Article 31's goals, the government must complement the unified support window with a comprehensive income tax system, jointly improving welfare efficiency.

Findings: Based on integrated welfare approaches and Iran's welfare program typology—considering fiscal capacity and essential goods needs—the study concludes:

1. **Unconditional Electronic Vouchers:** Leveraging Iran's existing experience, these can direct most state support toward basic needs, particularly food security.
2. **Tax-Based Transition:** To expand the taxpayer base, welfare policies should initially rely on tax-based programs until the tax system matures.
3. **Avoiding Benefit-Based Support:** Given high tax evasion, social benefits should not be universal, as non-taxpayers would unjustly receive aid.
4. **Conditionality Challenges:** Iran's weak oversight mechanisms make conditional approaches prone to leakage; thus, unconditional frameworks are preferable.
5. **Macroeconomic Considerations:** To avoid inflationary pressures from energy price hikes and inefficient oil revenue management, welfare financing should prioritize tax revenues over volatile natural resource income.

Discussion and Conclusion: Welfare programs vary by country based on economic conditions. While most are tax-funded, resource-rich nations like Iran often rely on oil revenues—a practice that risks fiscal instability. A key distinction in integrated tax-welfare systems is their *tax-based* structure, where support targets only those below a certain income threshold, funded by those above it. This model paves the way for a *unified support services window*, aligning with the Seventh Plan's Article 31.

Iran's current welfare inefficiencies—stemming from fragmented institutions and disjointed tax-welfare data—demand integration. A unified tax-support system, despite initial costs, would enhance transparency and resource allocation,



Research Institute of
Hawzah and University

Journal of Economic Essays; an Islamic Approach (JEE)

Journal homepage: <https://jee.rihu.ac.ir/>



Original Article

with the unified window's benefits offsetting expenditures in the short term.

JEL Classification: H11, H24, H25

Keywords: Tax System, Welfare System, Unified Support Services Window, Article 31 of the Seventh Development Plan, Integrated Tax-Support System.

Acknowledgments: We, the authors, gratefully acknowledge the support of the Economic Research Institute for supporting this research on tax-welfare integration and its broader applications.

Cite this article: Seyed ahmad Ameli & Iman Rafiee. (2025), "Integration of the Tax-Support System: A Strategy for Realizing the Unified Window of Support Services (Article 31 of the Seventh Development Plan)", Journal of Economic Essays; an Islamic Approach, 22(45): 91-111.



یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی حمایتی؛ راهبرد تحقق پنجره واحد خدمات حمایتی (ماده ۳۱ برنامه هفتم)

سید احمد عاملی^۱ ، ایمان رفیعی^۲

۱. استادیار گروه اقتصاد منابع و انرژی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسوول).

ameli@khu.ac.ir

۲. دکتری اقتصاد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

i.rafiiee.p@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

چکیده گسترده

مقدمه و اهداف: در کشورهای مختلف برنامه‌هایی حمایتی مختلفی در حال اجراست. نوع ارتباطی که این برنامه‌ها با نظام مالیاتی دارند، بیان‌کننده رویکرد حاکم بر نظام‌های مالیاتی و حمایتی است. برنامه‌هایی را می‌توان مالیات‌پایه دانست که در آنها نظام حمایتی از کانال نظام مالیاتی هدایت و اجرا شود؛ به این معنا که پرداخت حمایتی دولت بخشی از منابع مالیاتی است که یا به صورت نقدی یا به صورت‌های دیگر به مشمولین پرداخت می‌شود. طبق این برنامه‌ها نظام مالیاتی در ارتباط کامل با نظام حمایتی است و چه از نظر اطلاعاتی و چه از نظر اجرایی یکدیگر را پوشش می‌دهند. نظام حمایتی جدا از نظام مالیاتی آسیب‌هایی به دنبال دارد که بارزترین آنها ناکارآمدی در جمع‌آوری و توزیع منابع مالیاتی دولت است. در نظامی که مالیات‌ستانی آن مجزا از پرداخت‌های حمایتی باشد، افراد و خانوارها ممکن است هم به دولت پرداخت مالی (مالیات) داشته باشند و هم از دولت دریافت مالی (مالیات منفی) کنند. این امر ضرورت حرکت به سمت نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی را نشان می‌دهد که در ضمن آن، شفافیت اطلاعات مالی سبب می‌شود افراد و خانوارها یا مشمول پرداخت مالیات شوند و یا اینکه از طرف دولت، کمک‌های حمایتی دریافت کنند و مالیاتی نپردازند. این امر سبب بهبود توزیع درآمد و شکل‌گیری پنجره واحد خدمات حمایتی و پرونده الکترونیک رفاهی افراد یا خانوارها می‌شود؛ مسئله‌ای که در ماده ۳۱ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، ذیل سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد به آن اشاره شده است.

روش‌شناسی: این تحقیق در دسته تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد و به لحاظ ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. با توجه به کاربردی بودن نتایج تحقیق، جهت ارتباط بین یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی حمایتی و تحقق پنجره واحد خدمات حمایتی (ماده ۳۱ برنامه هفتم) می‌توان در دسته تحقیقات کاربردی دسته‌بندی کرد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و اسنادکاوی بوده که با مراجعه به مقالات و کتب مرتبط داخلی و خارجی و گزارش‌های سازمان‌های داخلی و بین‌المللی در این زمینه گردآوری می‌شود. در فراگرد مطالعات کتابخانه‌ای برای حصول موضوع مقاله، گام‌های زیر برداشته شده است:

الف) تبیین مفهوم یکپارچگی در تشخیص مالیاتی و حمایتی؛ مبتنی بر آن، امر تأمین درآمد دولت از راه اخذ مالیات با هزینه‌کرد این منابع در اجرای برنامه‌های حمایتی، در یک ساختار جمع شده‌اند.

ب) پنجره واحد خدمات حمایتی؛ ماده ۳۱ برنامه هفتم؛ باید پنجره واحد خدمات حمایتی و پرونده الکترونیک رفاهی افراد یا خانوار به‌طور کامل



Research Institute of
Hawzah and University

جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی

Journal homepage: <https://jee.rihu.ac.ir/>



نوع مقاله: پژوهشی

راه اندازی شود و به علاوه تمامی حمایت‌های نقدی و غیرنقدی از طریق این پنجره ارائه شود. (ج) اهداف و شیوه‌های اتصال نظام حمایتی مبتنی بر مالیات: در عبارات زیر به صورت خلاصه ذکر شده است.

جدول ۱: رویکردهای ارتباط نظام مالیاتی حمایتی

غیرمشروط مشروط	
نقدی	مالیات بر درآمد منفی مالیات بر درآمد منفی مشروط
اعتباری	مالیات بر درآمد اعتباری (رالف) مالیات بر درآمد کار
	کالابریگ‌های مبتنی بر مالیات

(د) نوع‌شناسی برنامه‌های حمایتی در ایران: براساس روش‌های تأمین مالی، هدف‌گذاری و مشروط بودن از یکدیگر می‌توان به بررسی برنامه‌های حمایتی پرداخت؛ افزون بر آن مالیات‌پایه بودن یا مزایا‌پایه بودن نیز می‌تواند یک معیار تمیز باشد.

(ه) کارآمدسازی سیاست‌های حمایتی: دولت برای تحقق اهداف ماده ۳۱، افزون بر ایجاد پنجره واحد حمایتی، باید نظام مالیات بر مجموع درآمد را نیز تکمیل می‌کند و این دو در کنار یکدیگر، به کارآمدی نظام حمایتی در کشور کمک خواهند کرد.

یافته‌ها: مبتنی بر رویکردهای نظام حمایتی یکپارچه و گونه‌شناسی برنامه‌های حمایتی در ایران و با توجه به ظرفیت منابع مالیاتی کشور و سنجش نیاز دهک‌های درآمدی به کالاهای ضروری:

(الف) استفاده از نظام کالابریگ الکترونیکی غیرمشروط که سابقه مناسبی نیز در کشورمان دارد به عنوان الگوی اولیه می‌تواند قسمت عمده کمک‌های حمایتی دولت را به سمت نیازهای اصلی با هدف تأمین سبد پایه غذایی کشور انجام دهد؛

(ب) با هدف توسعه چتر مالیاتی از حیث مؤدیان، ضروری به نظر می‌رسد در دوره گذار، رکن اصلی سیاست‌های حمایتی، برنامه‌های مبتنی بر مالیات باشد تا نظام مالیاتی به تکامل منطقی برسد.

(ج) با لحاظ نرخ بالای فرار مالیاتی در کشور، ارائه حمایت‌های اجتماعی به صورت مزایا منطقی نیست؛ زیرا افراد زیادی نه تنها به صورت مناسبی مالیات پرداخت نمی‌کنند، بلکه غیرعادلانه حمایت‌های اجتماعی نیز دریافت خواهند کرد.

(د) ضعف نظام نظارتی کشور می‌طلبد که از رویکردهای مشروط در نظام‌های یکپارچه دوری شود؛ زیرا احراز شرایط افراد و خانوارها برای ساختار حکمرانی اقتصادی فاقد قدرت لازم در نظارت مؤثر، به مراتب دشوار خواهد بود و منابع را به انحراف خواهد کشاند.

(ه) با در نظر گرفتن مسائل اقتصاد کلان همچون اثرات تورمی تأمین مالی حمایت‌های اجتماعی از سرفصل افزایش قیمت انرژی در عوض اصلاح مدیریت آن، به علاوه عدم اصلاح رابطه مالی دولت نفت و همچنین عملکرد نامناسب صندوق توسعه ملی، در دوره گذار باید این حمایت‌ها از منابع مالیاتی تعریف شود تا از افزایش هزینه‌های بودجه‌ای جلوگیری شود.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه‌های حمایتی مبتنی بر شرایط و امکانات کشورهای مختلف می‌تواند به گونه‌های مختلفی طراحی شود. عمده برنامه‌ها از درآمدهای مالیاتی تأمین می‌شوند؛ اما ممکن است با توجه به برخورداری کشورها از منابع طبیعی چون نفت، درآمدهای حاصل از فروش آنها به عنوان منبعی برای اجرای برنامه‌های حمایتی در نظر گرفته شود. یکی از برجسته‌ترین تمایزاتی که نظام‌های مالیاتی را به نظام حمایتی مرتبط می‌کند، مالیات‌پایه بودن برنامه حمایتی است که به یکپارچگی نظام مالیاتی حمایتی منجر می‌شود. در نظام‌های مالیاتی یکپارچه، مزایای حمایتی تنها به افرادی تعلق می‌گیرد که سطح درآمدی خاصی داشته باشند و منابع آن نیز از کسانی دریافت می‌شود که از سطح درآمدی معین شده بالاتر باشد. این مسیر، هموارکننده ایجاد پنجره واحد خدمات حمایتی خواهد بود که از مضامین برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت و ماده ۳۱ برنامه هفتم است.

از آنجا که ناکارآمدی برنامه‌های حمایتی ایران به سبب پراکندگی نهادهای مسئول و گسستگی اطلاعات مالیاتی و حمایتی، موجب هدررفت منابع شده، یکی از راهکارهایی که می‌تواند خلل و آسیب‌های برنامه‌های حمایتی ایران را برطرف کند شفاف‌سازی و یکسان‌سازی اطلاعات از طریق ایجاد ارتباط میان منابع مالی با نظام مالیاتی و شکل‌دهی نظام مالیاتی حمایتی یکپارچه است. چنین رویکردی اگرچه الزاماتی به همراه دارد و



Research Institute of
Hawzah and University

جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی

Journal homepage: <https://jee.rihu.ac.ir/>



نوع مقاله: پژوهشی

هزینه‌هایی بر نظام مالی کشور بار خواهد کرد، اما با ایجاد پنجره واحد خدمات حمایتی، منافع حاصله می‌تواند در زمان کوتاهی، هزینه‌ها را جبران نماید.

JEL: H11, H24, H25

واژگان کلیدی: نظام مالیاتی، نظام حمایتی، پنجره واحد خدمات حمایتی، ماده ۳۱ برنامه هفتم توسعه، نظام مالیاتی حمایتی یکپارچه. تقدیر و تشکر: از حمایت‌های پژوهشکده امور اقتصادی در فراهم آوردن شرایط مناسب جهت تحقیق و پژوهش در حوزه نظام یکپارچه مالیاتی و بسط موضوعی آن در حوزه‌های دیگر مرتبط با آن سپاسگزاری می‌نمایم.

استناد: سید احمد عاملی، ایمان رفیعی (۱۴۰۴)، «یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی حمایتی؛ راهبرد تحقق پنجره واحد خدمات حمایتی (ماده ۳۱ برنامه هفتم)»، مجله جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، ۲۲(۴۵): ۹۱-۱۱۱.

۱. مقدمه

نظام‌های حمایتی به منظور تأمین نیازهای زندگی افراد و خانوارهایی طراحی می‌شود که درآمد کافی ندارند. این نظام‌ها از اقدامات سیاستی برنامه‌های مختلفی استفاده می‌کنند تا منطبق با نیازهای شهروندان، مزایا و خدماتی ارائه دهند و رفاه عمومی جامعه را بهبود بخشند. به همین جهت در کشورهای مختلف برنامه‌هایی با هدف تغذیه، آموزش، مسکن و... اجرا می‌شود و برخی برنامه‌ها نیز مطلق هستند و هدف خاصی را در نظر نمی‌گیرند؛ بلکه تنها به دنبال افزایش درآمد مستمندان هستند. هر کشوری با توجه به اوضاع اقتصادی حاصل از تولید ناخالص ملی و استفاده از منابع طبیعی، در نوع و مقدار کمک‌های خود سیاست‌گذاری می‌کند. هزینه‌هایی که به این امر اختصاص می‌یابد، نشان‌دهنده افق مورد انتظار دولت برای رفع فقر است.

از طرفی نوع ارتباطی که این برنامه‌ها با نظام مالیاتی دارند، بیانگر رویکرد حاکم بر نظام‌های مالیاتی و حمایتی است. برنامه‌هایی را می‌توان مالیات‌پایه دانست که در آنها نظام حمایتی از کانال نظام مالیاتی هدایت و اجرا شود؛ یعنی پرداخت حمایتی دولت بخشی از منابع مالیاتی است که یا به صورت نقدی یا به صورت‌های دیگر به جامعه هدف پرداخت می‌شود. طبق این برنامه‌ها نظام مالیاتی در ارتباط کامل با نظام حمایتی است و چه از نظر اطلاعاتی و چه از نظر اجرایی یکدیگر را پوشش می‌دهند.

نظام حمایتی جدا از نظام مالیاتی آسیب‌هایی به دنبال دارد که بارزترین آنها ناکارآمدی در گرفتن و توزیع منابع مالیاتی دولت است. در نظامی که مالیات‌ستانی آن مجزا از پرداخت‌های حمایتی باشد، افراد و خانوارها ممکن است از طرفی با توجه به سطح درآمدی که کسب می‌کنند، به دولت مالیات پرداخت کنند و از طرف دیگر، با توجه به نوع سیاست حمایتی دولت، ممکن است از دولت یارانه نیز دریافت کنند؛ یعنی هم به دولت پرداخت مالی (مالیات) دارند و هم از دولت دریافت مالی (مالیات منفی) دارند.

این امر ضرورت حرکت به سمت نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی را نشان می‌دهد که در ضمن آن، شفافیت اطلاعات مالی سبب می‌شود افراد و خانوارها یا مشمول پرداخت مالیات شوند و یا اینکه از طرف دولت، کمک‌های حمایتی دریافت کنند و مالیاتی نپردازند. به علاوه مزایای زیر را نیز درخصوص یکپارچگی می‌توان ذکر کرد:

کاهش هزینه‌های اجرایی و ساختاری، کمک به نظام تشخیص و افزایش عدالت در پرداخت‌های حمایتی، منابع مالی پایدار، عدم آسیب به جایگاه اجتماعی افراد، کمک به اجرای مالیات بر مجموع درآمد، کاهش خطای انسانی، افزایش نرخ مشارکت و جمعیت تحت پوشش، ارتقای رضایت عمومی از نظام سیاستی (جانمحمادی و دیگران، ۱۴۰۳). این امر سبب بهبود توزیع درآمد و شکل‌گیری پنجره واحد خدمات حمایتی و پرونده الکترونیک رفاهی افراد یا خانوارها می‌شود؛ مسئله‌ای که در ماده ۳۱ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، ذیل سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد به آن اشاره شده است.

در این مقاله ابتدا مبانی نظری شامل مفهوم یکپارچگی در تشخیص مالیاتی و حمایتی و اقدامات پنجره واحد خدمات حمایتی ذکر می‌شود و سپس اهداف و شیوه‌های انتقال در نظام حمایتی مبتنی بر مالیات عنوان می‌شود. پس از آن برنامه‌های حمایتی موجود در کشور، نوع‌شناسی می‌شوند و در راستای کارآمدسازی سیاست‌های حمایتی ایران، لزوم یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و حمایتی تبیین شده و رویکرد منتخب برای اقتصاد ایران پیشنهاد خواهد شد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. پیشینه

درخصوص مطالعات داخلی این حوزه می‌توان به این آثار اشاره کرد. تاج‌زینیانی (۱۳۸۹) با بررسی ویژگی‌های نظام رفاهی ایران بر اساس مفاد قانون اساسی و تحولات تاریخی، بیان می‌کند که باوجود آرمان‌های رفاهی گسترده و فراگیر مندرج در قانون اساسی، نظام رفاهی کشور از توسعه‌نیافتگی مزمن رنج می‌برد. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹۳) به بررسی تجربه‌های جهانی حمایت از خانوار پرداخته و برنامه‌های پرداخت انتقالی نقد و شبه نقد، برنامه‌های پرداخت کالایی و برنامه‌های یارانه عمومی را از جمله روش‌های حمایت از خانوار عنوان کرده و می‌نویسد آنچه در سال ۱۳۸۹ برای حمایت از خانواده‌ها در کشور ما انجام گرفت با هیچ‌یک از برنامه‌های

حمایت از خانوار همخوانی ندارد و از این رو، نیازمند اصلاحات جدی در مراحل بعدی است.

امیری (۱۳۹۴) براساس مدل اندرسون معتقد است نظام رفاهی ایران با تکیه فراوان بر نهاد خانواده و تأمین حداقلی دولت، ترکیبی از نظام محافظه کار مسیحی با نظام رفاهی لیبرال است که نشان می دهد سیاست های رفاهی موجود در کشور با آرمان های انقلاب و همچنین متن صریح قانون اساسی کشور فاصله بسیار زیاد دارد. امینی و پروایی (۱۴۰۱) می نویسند مجموعه برنامه های حمایتی پرداخت یارانه ها در کشورهای در حال توسعه نشان دهنده این است که برنامه پرداخت یارانه ها تا دهه ۹۰ در بیشتر کشورهای منطقه جامعیت داشته است؛ اما با توجه به مشکلاتی که حجم و سهم بالای یارانه ها از بودجه دولت ایجاد کرد و ازسویی اهداف دولت ها در زمینه پرداخت یارانه ها تحقق نیافت، از اوایل دهه نود، اصلاح نظام پرداخت یارانه ها، در دستور کار دولت ها قرار گرفته است.

بهرمن (۱۴۰۱) طی گزارشی به نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه ها پرداخته است. این گزارش ضمن تبیین ضرورت نظام یارانه ها با مالیات بر مجموع درآمد، الگوهای اتصال نظام یارانه ای و مالیاتی را بیان می کند که براساس آن الگوی مالیات بر درآمد منفی، الگوی اعتبار مالیاتی درآمد کار، الگوی اعتبار پایه برگشت پذیر و الگوی مالیات هموار/ درآمد پایه، چهار الگوی یارانه های نقدی متصل به نظام مالیات بر مجموع درآمد هستند که دو مورد اول، هدفمند و دو مورد دوم، همگانی به شمار می آیند. نتایج این گزارش بیان می کند یکی از آسیب های نظام پرداخت یارانه در ایران، عدم ارتباط آن با نظام مالیاتی است؛ در حالی که در بسیاری از کشورها، افزون بر آنکه منابع نظام حمایتی از طریق مالیات ستانی تأمین می شود، اظهارنامه های مالیاتی نقشی اساسی در تشخیص گروه هدف سیاست های حمایتی (خانوارهای کم درآمد) ایفا می کنند؛ زیرا اطلاعات مالیاتی اصلی ترین منبع برای شناسایی درآمد خانوار است. در این گزارش که می توان آن را نزدیک ترین تحقیق به موضوع این پژوهش دانست، زاویه نگاه آن به نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی از جهت نظام مالیاتی بوده و فقدان نوع شناسی برنامه های حمایتی و انتخاب رویکرد منتخب برای اقتصاد ایران، از جمله کاستی های این گزارش نسبت به پژوهش حاضر به شمار می آید.

عاملی و رفیعی (۱۴۰۲) نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و روش مالیات ستانی و پرداخت های حمایتی در اسلام را به صورت تطبیقی مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که استفاده از چنین شیوه ای در برخی موارد مسبوق به اسلام هم بوده و تضاد یا تعارض با احکام شریعت ندارد. شهنازی و همکاران (۱۴۰۳) ایران را از جمله نخستین کشورهایی دانسته اند که اصلاحات نهادی را به تمایز رسیدن به توسعه به کار گرفته است و دو رویکرد شوک درمانی و اصلاحات تدریجی را در سابقه این اصلاحات نهادی بررسی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که شواهد تجربی و یافته های پژوهش به خوبی نمایانگر کارآمدی اصلاحات تدریجی نسبت به رویکرد شوک درمانی است.

جانمحمدی و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی و شناسایی موانع یکپارچه سازی نظام حمایتی و نظام مالیاتی در ایران پرداختند و نبود اطلاعات کامل از درآمد و هزینه ها به ویژه برای اقشار ضعیف و دهک های پایین درآمدی، عدم تمایل به ارائه اطلاعات از سوی نهادهای حاکمیتی، عدم اطمینان در خصوص حصول منابع قابل توجه از مالیات بر مجموع درآمد اشخاص حقیقی، عدم تمایل نهادها و سازمان های حمایتی برای تجمیع و ادغام و پیچیدگی های فنی و عملیاتی را جزو این موانع و چالش دانستند.

در میان آثار خارجی، فریدمن (۱۹۶۲) به الگویی از نظام حمایتی مبتنی بر مالیات اشاره کرده که آن را مالیات بر درآمد منفی می نامد و می توان از آن به عنوان یکی از رویکردهای ارتباط میان نظام مالیاتی و نظام حمایتی اشاره کرد. اگرچه وی در کتابش خیلی کوتاه به این بحث پرداخته، اما پس از او کارهای بسیاری در زمینه مالیات بر درآمد منفی انجام شده است. طبق پیشنهاد فریدمن، اگر درآمد مشمول مالیات فردی، کمتر از حد معافیت به اضافه کسورات باشد، مالیات منفی پرداخت می کند؛ یعنی یارانه دریافت می کند. به این ترتیب، می توان سطحی از درآمد را تعیین کرد که درآمد خالص هیچ شخص یا خانواری (که مستحق دریافت یارانه است) پایین تر از آن نباشد. طبقه بندی دقیق چنین مجموعه ای بستگی به توانایی ساختاری جامعه دارد؛ ولی در هر صورت، دستیابی به آن، چالش ها و خلل های نظام حمایتی گسسته را برطرف می کند.

آلستوت (۱۹۹۴) در پژوهشی توضیح می دهد که اگرچه اقتصاددانان و تحلیلگران در آمریکا مدت ها است که از ادغام نظام های مالیاتی و رفاهی حمایت می کنند، اما مشکلات عدم دقت، عدم پاسخگویی و عدم انطباق ذاتی در مدیریت نظام های رفاهی مبتنی بر مالیات نادیده

گرفته شده است. وی نتیجه می‌گیرد تنها در صورتی ادغام نظام مالیاتی و رفاهی به‌طور گسترده قابل قبول خواهد بود که انتظارات را در مورد دقت، پاسخگویی و انطباق به‌طور اساسی برآورده کند.

اتکینسون (۱۹۹۵) در کتاب اقتصاد بخش عمومی در عمل: طرح پیشنهادی درآمد پایه/ مالیات هموار، پیشنهاد مالیات هموار، همراه با پرداخت درآمد پایه و حذف سایر مالیات‌ها و مزایای تأمین اجتماعی را مطرح می‌کند که مبتنی بر این پیشنهاد برنامه پرداخت مالیات منفی مرتبط با نظام مالیاتی طراحی می‌شود. طرح در نظر گرفته شده توسط وی شامل پرداخت یک درآمد پایه به همه افراد است که جایگزین تمام مزایای تأمین اجتماعی خواهد شد. کمک به کارگران کم‌درآمد، کاهش نابرابری جنسیتی به دلیل استقلال طرح، عدم وابستگی به وضعیت شغلی و کاهش هزینه‌های اداری برای دولت و مالیات‌دهندگان از مزایای طرح اتکینسون است.

ونتری (۲۰۰۹) برنامه‌های انتقالی مبتنی بر مالیات و برنامه‌های رفاهی سنتی در آمریکا را مقایسه کرده و مزایای متعددی را از طرفداران اجرای برنامه‌های رفاه اجتماعی از طریق نظام مالیاتی شماره کرده است. این مزایا شامل مزایای ساختاری واضح مانند کاهش هزینه‌های اداری و حضور اداری کمتر و همچنین مزایای عملیاتی مانند کارآمدی بیشتر می‌شود.

ترمیناسین (۲۰۲۰) ضمن بررسی درآمد پایه همگانی، پاسخ برخی از سؤالات اصلی در خصوص این موضوع را روشن می‌کند و به موضوعاتی حول تعریف، تعیین دامنه، تجربیات تاریخی و همچنین مجموعه‌ای از انتخاب‌های راهبردی جایگزین پرداخته و معتقد است حداقل در حال حاضر، یک برنامه درآمد پایه همگانی باید جدی گرفته شود. وی در فصل دوم کتاب به مدل‌های مقایسه‌ای درآمد پایه همگانی پرداخته و در نوع‌شناسی برنامه‌ها به برنامه‌های مالیات بر درآمد منفی و مالیات بر درآمد کار به‌عنوان رویکردهای مالیات پایه اشاره کرده است. این فصل قصد دارد با بررسی پارامترهای اصلی مجموعه‌ای از سیاست‌های پیرامون کمک‌های اجتماعی، تفاوت‌های بین برنامه درآمد پایه همگانی و سایر ابزارهای ممکن را روشن کند.

در این میان مطالعه نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی با رویکرد واکاوی سیاست‌های حمایتی ایران، خلأ دارد که این مقاله به دنبال پرکردن آن است. از این رو، بهبود کارایی و ارتقاء نظام حمایتی و ایجاد پنجره واحد خدمات حمایتی که موضوع ماده ۳۱ برنامه هفتم پیشرفت کشور است، مبتنی بر پرداخت‌های مالیاتی از طریق یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و حمایتی نوآوری مقاله محسوب می‌شود.

۲-۲. مفهوم یکپارچگی در تشخیص مالیاتی و حمایتی

یکپارچگی نظام مالیاتی حمایتی مبتنی بر نوع خاصی از دسته‌بندی برنامه‌های حمایتی است که طبق آن برنامه‌ها براساس مبنا یا پایه دسته‌بندی می‌شوند. در این نوع دسته‌بندی برنامه‌های حمایتی یا مبتنی بر مزایا یا مبتنی بر مالیات هستند؛ به این معنا که یا از طریق نظام مزایا یا از طریق نظام مالیات‌ها به اجرا درمی‌آیند (جنتیلینی و گروش، ۲۰۲۰، ص ۷۴). برنامه‌های حمایتی مبتنی بر مزایا، ارتباط راحت‌تری با مردم برقرار می‌کنند و مردم بهتر آنها را درک می‌کنند؛ زیرا مزیتی را به جامعه هدف می‌رسانند؛ در حالی که برنامه‌های مبتنی بر مالیات، نوعی نگرفتن مالیات از نیازمندان به شمار می‌آید.

در برنامه‌های مبتنی بر مالیات، هزینه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها کمتر از برنامه‌های مبتنی بر مزایاست؛ زیرا پرداخت کمک‌های اجتماعی نیاز به جمع‌آوری و تأیید داده‌هایی متفاوت از داده‌های مالیاتی ندارد؛ به‌طوری‌که با یک دسته از اطلاعات، می‌توان وضعیت مالیاتی فرد یا خانوار را از یک طرف و وضعیت یارانه‌ای او را از طرف دیگر رصد و ارزیابی کرد؛ برخلاف برنامه‌های مزیت‌محور که به دست آوردن داده‌های لازم جهت تشخیص اینکه آیا افراد مشمول آن مزیت هستند یا خیر، نیازمند صرف هزینه است؛ چون دارابودن شرایط دریافت مزیت از شرایط پرداخت مالیات متفاوت است.

در برنامه‌های مبتنی بر مالیات امکان ندارد فرد یا خانواری هم مالیات‌دهنده باشد و هم دریافت‌کننده یارانه؛ زیرا پرداخت یارانه به افراد، وابسته به وضعیت درآمدی آنهاست و این وضعیت درآمدی مشخص می‌کند آیا فرد، مالیات‌دهنده است یا مالیات‌گیرنده؛ برخلاف برنامه‌های مبتنی بر مزایا که در آنها ممکن است فرد دریافت‌کننده مزیت، با اینکه از دولت کمک دریافت می‌کند، یک مؤدی مالیاتی هم به شمار آید و مالیات‌دهنده باشد؛ چون دریافت مزیت به سطح درآمد بستگی ندارد؛ بلکه ممکن است براساس سن، مانند برنامه کمک‌هزینه

براساس سن یا همگانی، مانند درآمد پایه همگانی باشد. چنانکه در بسیاری از کشورهای با درآمد کم و متوسط، فقیرترین خانوارها ممکن است باوجود دریافت کمک‌های حمایتی، به شکل خالص، پرداخت‌کننده مالیات باشند؛ یعنی پرداخت آنها به دولت به صورت مستقیم و غیرمستقیم بیشتر از مقدار حمایت دریافتی از دولت باشد (لوستیگ، ۲۰۱۸).

براساس این، نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی بیان‌کننده شکل‌گیری نهادی در اقتصاد کشور است که مبتنی بر آن، امر تأمین درآمد دولت از راه جمع‌آوری مالیات با هزینه‌کرد این منابع در اجرای برنامه‌های حمایتی، در یک ساختار جمع شده باشند. این تجمع منحصراً منوط به اجتماع سازمانی نیست؛ بلکه منظور یکپارچگی اطلاعاتی برنامه‌های حمایتی و نظام مالیات‌ستانی است؛ به این معنا که مزیت در نظر گرفته شده برای نیازمندان مرتبط با وضعیت مالیاتی آنها پرداخت می‌شود؛ چنان‌که در تقسیم برنامه‌های حمایتی براساس مبنای پایه عنوان شد. در یک نظام اقتصادی ممکن است برنامه‌های متعدد رفاهی تعریف شده باشد و تنها بخشی از آنها مبتنی بر مالیات باشند. بنابراین، زمانی که از نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی صحبت می‌شود، مقصود بخشی از برنامه‌های حمایتی است که می‌توان آنها را منوط به نظام مالیات‌ستانی دانست و کانال تخصیص آنها را از طریق نظام مالیاتی طراحی کرد. این برنامه‌ها می‌تواند تحت رویکردهای مختلفی تصور شود که در ادامه ذکر می‌شود.

۳-۲. پنجره واحد خدمات حمایتی: ماده ۳۱ برنامه هفتم

در برنامه پنج‌ساله ششم در ماده ۸۱ ایجاد پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی یکی از راه‌های ساماندهی منابع و مصارف مربوط به یارانه‌های اجتماعی، رفع همپوشانی و دسترسی عادلانه به خدمات نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی برشمرده شده است. در همین راستا، در قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت نیز این مسئله در ماده ۳۱ مورد توجه قرار گرفته است. در این ماده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است پنجره واحد خدمات حمایتی و پرونده الکترونیک رفاهی افراد یا خانوار را به طور کامل راه‌اندازی نماید. افزون‌براین، دستگاه‌های اجرایی‌ای که به هر شکل از اقشار آسیب‌پذیر حمایت می‌کنند، مکلف‌اند تمامی حمایت‌های نقدی و غیرنقدی خود را از طریق این پنجره ارائه دهند و همچنین، متقاضیان دریافت حمایت‌ها نیز باید از این طریق برای دریافت حمایت‌های یادشده اقدام کنند.

این اقدام یکی از گام‌های همسو با شکل‌گیری نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی به شمار می‌آید. پنجره واحد خدمات حمایتی می‌تواند از حیث سازمانی، از توزیع نامناسب منابع موجود جلوگیری کند و با ایجاد یکپارچگی در تحقق سیاست‌های حمایتی، به نهادهای حمایتی و مردمی کمک کند تا اقدامات خود را متناسب با جامعه هدف خود به درستی تعیین نمایند. همچنین، تشکیل شناسنامه رفاهی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان از جمله نیازهای ضروری هر کشوری است که این امر با تجمع اطلاعات و ایجاد پایگاه‌های داده امکان‌پذیر می‌شود. پرونده الکترونیک رفاهی افراد یا خانوار، مجموعه اطلاعات هویتی، اطلاعات اقتصادی - رفاهی، اطلاعات وضعیت شغلی و کسب‌وکار و اطلاعات مربوط به خدمات حمایتی گروه‌های هدف است که می‌تواند ضمن پاسخ به این نیاز ملی، از طریق پیوند اطلاعات مالیاتی در کنار اطلاعات حمایتی به سیاست‌گذار این امکان را بدهد تا درخصوص تعیین تکلیف افراد و میزان مالیات پرداختی یا دریافتی (یارانه) تصمیم درستی را اتخاذ نماید و چنانچه فرد یا خانوار از سطح درآمدی بالایی برخوردار بود، مالیات بپردازد و اگر نیازمند کمک‌های حمایتی بود، مشمول سیاست‌های حمایتی قرار گیرد.

تمامی اقدامات حمایتی و امدادی از جمله پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی، مشروط و غیرمشروط، مستمر و غیرمستمر که به گروه‌های هدف ارائه می‌شود، در زمره خدمات حمایتی قرار دارد و هریک از اقشار نیازمند یا در معرض آسیب جامعه که به هر نحوی از خدمات حمایتی استفاده می‌کنند و یا متقاضیان خدمات حمایتی (به تشخیص مرجع ذیصلاح) از هریک از نهادهای حمایتی، نهادهای مردمی و دستگاه‌های مشمول که واجد شرایط دریافت خدمات حمایتی تشخیص داده می‌شوند، در گروه‌های هدف پنجره واحد خدمات حمایتی ایرانیان قرار می‌گیرند.

۳. اهداف و شیوه‌های اتصال نظام حمایتی مبتنی بر مالیات

شیوه‌های نوین اتصال نظام مالیاتی و حمایتی را می‌توان در دو دسته مبتنی بر پرداخت نقدی و مبتنی بر اعتبار دسته‌بندی کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲، ص ۲۰). اصطلاح اعتبار مالیاتی به مقدار پولی اطلاق می‌شود که مالیات‌دهندگان می‌توانند مستقیماً از مالیاتی که باید بپردازند، کم کنند (سگال، ۲۰۲۳). اعتبار مالیاتی ممکن است برگشت‌پذیر، تاحدی برگشت‌پذیر و غیربرگشت‌پذیر برای شهروندان در نظر گرفته شود (سگال، ۲۰۲۳). اعتبار مالیاتی برگشت‌پذیر دارای بازپرداخت به مردم نیز است؛ یعنی ممکن است در مجموع به جای اینکه فرد مالیاتی پرداخت کند، مبلغی به‌عنوان یارانه از دولت دریافت نماید.

به‌طورکلی، سیاست‌گذار می‌تواند برای حمایت از گروه‌های هدف موردنظر خود، اعتبارات مالیاتی خاصی برای آنها قرار دهد. در نظر گرفتن یک هزینه به‌عنوان اعتبار مالیاتی به این معناست که دولت متکفل آن هزینه می‌شود. اعتبارات خاص برخلاف اعتبار پایه شامل همه شهروندان نمی‌شود و صرفاً افرادی که مخارج خاصی داشته باشند یا حائز شرایط ویژه موردنظر قانون‌گذار باشند می‌توانند از این اعتبارات مالیاتی استفاده کنند.

اعتبار مالیاتی برای همسر و فرزندان یکی از انواع اعتبارات مالیاتی است که به خانوارهای دارای فرزند تعلق می‌گیرد. از دیگر اعتبارات مالیاتی رایج، اعتبار مالیاتی درمان است. بسیاری از اعتبارات مالیاتی دیگر وجود دارد که مالیات‌دهندگان ممکن است واجد شرایط باشند تا از آنها استفاده کنند (وبگاه رسمی دولت ایالات متحده، ۲۰۲۳). اساساً برای تشویق به یک رفتار خاص یا کاهش بار هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر می‌توان از اعتبار مالیاتی استفاده کرد؛ ولی باید در نظر داشت تعدد این اعتبارات، نظام مالیاتی را پیچیده کرده و برای دولت و مؤدیان هزینه‌آفرین است.

براساس تقسیم‌بندی‌های یادشده، برنامه‌های حمایتی مرتبط با نظام مالیاتی باید تأمین مالی شده از منابع مالیاتی، هدف‌گذاری شده و مالیات‌محور باشند و می‌توانند مشروط یا غیرمشروط طراحی شوند. درعین حال، شیوه انتقال می‌تواند به هر دو صورت نقدی یا اعتباری باشد. افزون‌براینکه، می‌توان پرداخت حمایت‌های اجتماعی مالیات‌محور را به شیوه کالابرجی در نظر گرفت. براساس این، جدول ۱ را می‌توان استخراج نمود که بیان‌کننده رویکردهای نظام‌های مالیاتی و حمایتی مرتبط است و در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم.

جدول ۱: رویکردهای ارتباط نظام مالیاتی حمایتی

غیرمشروط	مشروط	
مالیات بر درآمد منفی	مالیات بر درآمد منفی مشروط	نقدی
مالیات بر درآمد اعتباری (رالف)	مالیات بر درآمد کار	اعتباری
کالابرج‌های مبتنی بر مالیات		

منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۱. نقدی غیرمشروط

یکی از مهم‌ترین و باسابقه‌ترین برنامه‌های حمایتی نقدی غیرمشروط برنامه مالیات بر درآمد منفی است. مالیات بر درآمد منفی پیشنهادی است که پرداخت خود را فقط شامل حال فقرا می‌کند و به این جهت هزینه نسبتاً کمتری نسبت به برنامه‌هایی، که عمومی هستند، برای دولت دارد. در این الگو با تعیین خط درآمد سربه‌سر یا آستانه بدهی مالیاتی، خانوارهایی که درآمدشان بیش از این مقدار باشد، مالیات پرداخت می‌کنند و خانوارهایی که درآمد کمتری از این مقدار دارند، به میزان درصدی از فاصله درآمدشان با این خط، مالیات منفی یا یارانه دریافت می‌کنند. میزان پرداخت و دریافت این مالیات به نرخ‌های مالیاتی مثبت و منفی بستگی دارد و با افزایش یا کاهش درآمد تغییر می‌کند. همچنین، اگر درآمد خانواده‌ای منطبق با این حد باشد، نه مالیاتی پرداخت می‌کند و نه یارانه‌ای دریافت خواهد کرد (فیتز‌پاتریک، ۱۹۹۹، ص ۸۸-۹۰).

برای نخستین بار آگوستین کورنو به مفهوم و لفظ مالیات بر درآمد منفی اشاره کرد؛ اما ایده او چندان مورد اقبال قرار نگرفت تا زمانی که میلتون فریدمن در کتاب «سرمایه‌داری و آزادی» (۱۹۶۲) مجدداً آن را مطرح کرد و در نوشته‌ها و سخنرانی‌های مختلف به دفاع از آن برخاست (فان‌پاریس و وندربورگ، ۲۰۱۷، ص ۳۲-۴۰). یکی از دلایلی که باعث شد فریدمن این طرح را پیشنهاد کند این بود که برخی

طرح‌های پیشنهادی قبل از اثر منفی بر انگیزه نیروی کار می‌گذاشتند و عرضه نیروی کار را کاهش می‌دادند و بیمه‌های بیکاری به محض اینکه فرد مشغول به کار شود، حتی اگر کار، پاره‌وقت و دارای درآمد اندکی باشد، به صورت کامل قطع می‌شود. برخی دیگر از طرح‌های حمایتی نیز تفاوت درآمد فرد تا سطح حداقلی را به او می‌دهند و به این وسیله فرد را بین دو گزینه بیکاری و اشتغال بی تفاوت می‌کنند. با عنایت به آثار ضدانگیزشی چنین طرح‌هایی، فریدمن پیشنهاد «مالیات بر درآمد منفی» را مطرح کرد که شامل گرفتن مالیات مثبت از پردرآمدها و مالیات منفی (پرداخت یارانه نقدی) به کم‌درآمدهاست و چنین اثر منفی بر انگیزه نیروی کار ندارد؛ زیرا با افزایش ساعت کاری فرد، به درآمد خالص او افزوده می‌شود (فریدمن، ۱۹۶۲، ص ۱۹۰-۱۹۵).

۳-۲. اعتباری غیرمشروط

رویکرد بدیلی برای مالیات بر درآمد منفی توسط رالف عنوان شد که از آن با عنوان رویکرد مالیات اعتباری یاد می‌کند. این رویکرد دارای دو پایه اصلی است: یک نظام اعتبارات با مبلغ ثابت که همه افراد جامعه مستحق آن هستند و یک مالیات بر درآمد بدون هیچ گونه معافیت مالیاتی. در این رویکرد، بدهی مالیاتی خالص یک شخص یا یک خانواده، از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$T = Yr - Cu$$

در این رابطه، T بدهی مالیاتی خالص، Y درآمد مشمول مالیات، r نرخ مالیات، C میزان اعتبار (با فرض اعتبارات سرانه ثابت) و u تعداد اعتبارات یک واحد (معمولاً خانواده) است. در این شیوه، می‌توان با استفاده از یک اعتبار مالیاتی عمومی و نرخ مالیاتی ثابت، مالیات متفاوتی را متناسب با شرایط افراد دریافت نمود یا یارانه پرداخت کرد. با اتخاذ نظام تک‌نرخ مالیاتی، می‌توان تعریف دقیق‌تری از درآمد مشمول مالیات ارائه و در نتیجه نظام مالیاتی را ساده‌سازی کرد (رالف، ۱۹۶۷).

در سال ۱۹۹۵ اتکینسون مشابه این پیشنهاد را با عنوان درآمد پایه همگانی همراه با مالیات هموار، برای نظام مالیاتی انگلستان مطرح کرد. در این پیشنهاد درآمد پایه همگانی به صورت اعتبار مالیاتی و پس از اخذ مالیات بر درآمد هموار پرداخت می‌شود؛ به طوری که مالیات بر مجموع درآمد با نرخ واحد، جایگزین نظام پیچیده مالیاتی و درآمد پایه همگانی، جایگزین نظام حمایتی می‌شود (اتکینسون و دیگران، ۱۹۹۵). نتیجه نهایی یعنی تغییرات درآمد، در طرح پیشنهادی رالف و اتکینسون، معادل همان طرح مالیات بر درآمد منفی است و تفاوت تنها در نحوه بیان و تفسیر آنهاست (فان‌پاریس و وندربورگ، ۲۰۱۷، ص ۳۲).

۳-۳. نقدی مشروط

مالیات بر درآمد منفی مشروط نوع دیگری از برنامه‌های حمایتی است که در آن نظام مالیاتی و حمایتی به شکل یکپارچه طراحی شده است. این برنامه با هدف ارتقای انسجام اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد مورد توجه قرار می‌گیرد (اسنور، ۲۰۰۴). شرایط ضمیمه شده به مالیات بر درآمد منفی در این برنامه می‌تواند موارد متعددی را شامل شود و محدود به شرایط خاصی نیست. برای مثال، می‌تواند مشابه شرایطی باشد که به برنامه مزایای بیکاری مربوط می‌شود؛ از جمله ارائه شواهدی مبنی بر جستجوی جدی شغل (ارزاگ و اسنور، ۱۹۹۸) یا داشتن شغل با درآمد پایین (کو و اسنور، ۱۹۹۷). به همین دلیل به عنوان یک سیاست جایگزین اصلی برای برنامه مزایای بیکاری در کنار یارانه اشتغال، معرفی شده است (بوتی و دیگران، ۲۰۰۰).

اسنور پس از تعیین شروط برنامه مزایای بیکاری برای برنامه مالیات بر درآمد منفی مشروط و مقایسه آن دو نشان می‌دهد طرح‌های مالیات بر درآمد منفی مشروط با زیان‌های کارآیی قابل توجهی همراه است و دارای برخی ویژگی‌های نامطلوب است. چنان‌که بر انگیزه افراد برای کار و کسب مهارت‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (اسنور، ۱۹۹۵a) و هزینه بیشتری را تحمیل می‌کند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۱۹۹۷، ص ۵۴). در عین حال، سیاست‌گذاران ممکن است بخواهند مالیات بر درآمد منفی مشروط را استفاده کنند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۱۹۹۷، ص ۵۴)؛ زیرا با جایگزینی آن به جای برنامه مزایای بیکاری، به سادگی می‌توان نقایص بازدارندگی انگیزه شغلی و نرسیدن کمک‌ها به جامعه هدف را کاهش داد؛ زیرا دریافت مالیات بر درآمد منفی به توانایی متقاضیان برای گذراندن آزمون‌های سخت‌گیرانه در مورد تمایل و آمادگی آنها برای کار بستگی خواهد داشت (اسنور، ۱۹۹۵b، ص ۸۵).

۳-۴. اعتباری مشروط

برنامه اعتبار مالیاتی درآمد کار برای ارتقای درآمد مزدبگیران طراحی شده است. افرادی که درآمد ناشی از کار داشته باشند در صورتی که درآمد آنها از آستانه مشخصی کمتر باشد با توجه به تعداد فرزندان تحت تکفل از اعتبار مالیاتی برگشت پذیر برخوردار می‌شوند. این نوع اعتبار مالیاتی افراد را هم به فرزنددار شدن و هم به کسب درآمد یا به عبارتی عرضه نیروی کار تشویق می‌کند؛ زیرا افراد بیکار نمی‌توانند از این اعتبار مالیاتی استفاده کنند و افراد بدون فرزند هم مقدار بسیار ناچیزی دریافت می‌کنند.

این طرح در سال ۱۹۷۵ در آمریکا تصویب شد. در این طرح تعداد فرزندان میزان اعتبار مالیاتی را افزایش می‌دهد. خانوارهای بدون درآمد هیچ مزایایی دریافت نمی‌کنند. با افزایش درآمد ناشی از کار، خانوار مستحق دریافت مزایا می‌شود و پس از گذشتن از حد مشخصی اگر درآمد همچنان افزایش پیدا کند، از میزان مزایا کاسته می‌شود. بنابراین، این طرح، یک طرح مشوق کار محسوب می‌شود. اگر خانوارهای با درآمد صفر مستحق دریافت مزایا شمرده می‌شدند، امکان داشت افراد توانمند عرضه نیروی کار خود را کاهش داده و با تکیه بر پرداخت نقدی دولت، امرار معاش کنند؛ اما با وجود شرط دریافت دستمزد برای بهره‌مندی از این اعتبار مالیاتی برگشت پذیر، چنین افرادی مجبور به تلاش برای کسب درآمد می‌شوند (کراندال هولیک و دیگران، ۲۰۲۱).

۴. نوع‌شناسی برنامه‌های حمایتی در ایران

برنامه‌های حمایت اجتماعی در ایران توسط نهادهای مختلف اجرا می‌شوند که برخی از آنها دولتی و برخی غیردولتی به شمار می‌آیند. افزون بر نهادهای دولتی، تعدادی از نهادهای غیردولتی نیز از منابع دولتی بهره‌مند می‌شوند. جدول ۲ این نهادها را بیان می‌کند.

جدول ۲. نهادهای حوزه حمایتی

دولتی	غیردولتی بهره‌مند از منابع دولتی	غیردولتی غیربهره‌مند از منابع دولتی
- سازمان بهزیستی - سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - سازمان اوقاف و امور خیریه - و...	- کمیته امداد امام خمینی علیه السلام - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی - بنیاد شهید و امور ایثارگران	- بنیاد مستضعفان - بنیاد ۱۵ خرداد - ستاد اجرایی فرمان حضرت امام علیه السلام - موقوفات خاص و عام دارای متولی - سمن‌ها (NGO) - خیریه‌ها

منبع: اندیشکده ره یافت

بررسی برنامه‌هایی که توسط این نهادها به اجرا گذاشته می‌شود نشان می‌دهد که می‌توان آنها را براساس روش تأمین مالی، هدف‌گذاری و مشروط بودن از یکدیگر مجزا کرد. افزون بر آنکه مالیات پایه بودن یا مزایا پایه بودن نیز می‌تواند یک معیار تمیز باشد؛ ولی براساس آنچه در خصوص مالیات پایه بودن برنامه‌های حمایتی گفته شد، هیچ‌کدام از برنامه‌های نظام حمایتی ایران توسط نهادهای مختلف را نمی‌توان مالیات پایه دانست و همگی از نوع مزایا پایه هستند. بنابراین، در ادامه گونه‌شناسی برنامه‌های حمایتی در ایران براساس معیارهای یادشده بررسی می‌شود.

۴-۱. براساس روش تأمین مالی

در ایران تأمین مالی عمده برنامه‌های رفاهی از طریق نهادهای عمومی غیردولتی انجام می‌شود (قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، ۱۳۷۳). در عین حال، همین نهادهای غیردولتی بخشی از منابع مالی خود را از طریق بودجه دولت تأمین می‌کنند. چنانچه ردیف ۱۲۹۶۰۰ جدول شماره هفت بودجه ۱۴۰۳ کل کشور میزان کمک دولت به کمیته امداد امام خمینی علیه السلام که یک نهاد مستقل است (اساسنامه، ماده ۳) را بیان می‌کند. افزون بر این در جدول ۱۴ قانون بودجه و با استفاده از منابع حاصل از فروش ذخایر نفت و گاز نیز مبالغی به کمیته امداد امام خمینی علیه السلام تعلق می‌گیرد تا صرف پرداخت مستمري خانوارهای تحت پوشش کند (قوانین بودجه سنواتی، جدول ۱۴).

همچنین ردیف ۱۳۱۶۰۰ سند بودجه کل کشور، اعتبارات بنیاد شهید و امور ایثارگران را نشان می‌دهد که امور معیشتی و رفاهی خانواده‌های شهدا جزء وظایفش شمرده شده است (اساسنامه، ماده ۵). اگرچه امور این بنیاد طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی غیردولتی اداره می‌شود (اساسنامه، ماده ۱). در کنار نهادهای غیردولتی، سازمان بهزیستی کشور، زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار دارد. منابع مالی سازمان بهزیستی از منابع عمومی دولت، در ردیف اصلی ۱۳۱۵۰۰ جدول شماره ۷، شماره ۷-۱ و پیوست ۱ بودجه سنواتی ذکر می‌شود. افزون‌براین، از منابع جدول ۱۴ نیز مبلغی به این سازمان تعلق می‌گیرد.

سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها به‌عنوان مسئول پرداخت یارانه‌های نقدی طرح هدفمندی نیز با ماهیت شرکت دولتی (اساسنامه، ماده ۱) شکل گرفته است. بخش عمده‌ای از منابع این سازمان مجزا از منابع عمومی دولت بوده که در تبصره ۸ (جدول ۱۴) قانون بودجه سنواتی ذکر می‌شود. در سال ۱۴۰۳ این منابع از فروش داخلی و صادراتی فرآورده‌های نفتی، فروش داخلی گاز طبیعی و سایر منابع شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه با رعایت قوانین، تأمین شده است (قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور). براساس این، برنامه‌های حمایتی در ایران از دو منبع منابع عمومی دولت و منابع جدول شماره ۱۴ تأمین می‌شود که حاصل فروش منابع طبیعی تجدیدناپذیر است.

۴-۲. براساس هدف‌گذاری

در ایران برنامه پرداخت نقدی به خانوارها در قالب طرح هدفمندی یارانه‌ها در ابتدای امر به‌عنوان یک برنامه همگانی قابل ارزیابی است که به همه خانوارها بدون در نظر گرفتن سطح درآمدی آنها پرداخت می‌شد؛ اما در ادامه راه به سمت برنامه‌های طبقه‌بندی شده گرایش پیدا کرد و برخی از دهک‌های درآمدی از دریافت این کمک‌های نقدی منع شدند. بنابراین، طرح هدفمندی یارانه‌ها در شکل فعلی را، که فقط به دهک‌های درآمدی خاصی پرداخت می‌شود، می‌توان جزء برنامه‌های طبقه‌بندی شده در نظر گرفت. افزون‌براین طرح، برنامه‌های زیاد دیگری در نظام حمایتی ایران دیده می‌شود که به گروه‌های خاصی تعلق دارد؛ از جمله برنامه کمک به صندوق ذخیره بسیجیان و کمک به صندوق رفاه دانشجویان به ترتیب موضوع ردیف ۱۱۱۱۶۰ و ۱۲۹۰۲۵ جدول شماره ۷ قانون بودجه کل کشور سال ۱۴۰۳.

۴-۳. براساس مشروط بودن یا نبودن

در ایران برنامه‌هایی مانند پرداخت تسهیلات اشتغال نیازمندان در کمیته امداد امام خمینی^{۱۱}، مشروط به داشتن مدارک فنی یا سابقه کار مرتبط است؛ از این‌رو اگر فردی تقاضای وام اشتغال از این نهاد را داشته باشد؛ ولی مدرک فنی مرتبط نداشته باشد، مشمول این مزیت نمی‌شود. طرح یارانه دستمزد نیز که با هدف حمایت از بخش‌ها و رسته‌های کسب‌وکار اقتصادی با بیشترین آسیب در اثر شیوع کرونا و با اولویت مناطق کم‌برخوردار از اشتغال، در سال ۱۳۹۹ تصویب شد، ویژه فارغ‌التحصیلان و جوانان بیکار جویای کار در مناطق محروم برنامه‌ریزی شده بود. در این طرح شرط سنی حداکثر ۳۰ سال و مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر در نظر گرفته شده بود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲).

بسیاری دیگر از برنامه‌ها، شرط خاصی را در نظر نمی‌گیرند؛ بلکه صرفاً طبقه‌بندی شده‌اند و اگر فرد یا خانوار در جامعه هدف قرار گیرد، مشمول دریافت آن حمایت می‌شود؛ مانند پرداخت‌های نقدی طرح هدفمندی یارانه‌ها و طرح معیشتی که بدون احراز شرایطی به همه مشمولین تعلق می‌گرفت.

۴-۴. کالابری مالیات‌محور در نظام یکپارچه

در برنامه‌های کالابری، دولت براساس نیازی که تشخیص می‌دهد، پول را بازتوزیع می‌کند. بنابراین، دولت و نه فرد گیرنده کمک، میزان کالابری و اهدافی که می‌توان کالابری را برای آن خرج کرد تعیین می‌کند. همچنین، دولت عرضه‌کنندگان خاصی را به‌عنوان واجد شرایط پذیرفتن کالابری‌های مبتنی بر مالیات تأیید می‌کند؛ از این‌رو دخالت پررنگی در بازار خواهد داشت (لیند، ۲۰۱۲). کالابری‌ها در بیشتر موارد از ارزش پولی مشخصی برخوردار بوده و با استفاده از آنها می‌توان کالاهای مشخصی را خریداری کرد. امکان‌پذیری اجرایی

یارانه‌های کالابری نیازمند دو عامل طراحی فرآیند استرداد و انتخاب صحیح افراد واجد شرایط است. در فرآیند استرداد، فروشگاه‌های دریافت‌کننده کالابری باید قادر به تبدیل کالابری‌ها به پول نقد باشند و نحوه انتخاب افراد واجد شرایط نیز مانند روش‌های نقدی یا اعتباری براساس پرونده مالیاتی صورت می‌گیرد.

اگر دولت بخواهد مصرف جامعه را مدیریت کند و اهداف تغذیه‌ای را در کنار پرداخت‌های حمایتی مدنظر داشته باشد، می‌تواند از این شیوه استفاده کند تا دریافت‌کنندگان ملزم به خرید کالاهای خاصی و حتی از فروشگاه‌های خاصی شوند. براساس این، استفاده از یارانه کالابری، تضمینی در مقابل اثرات منفی سوءتغذیه و دیگر مخاطراتی است که به واسطه برخورداری خانوارها از سطح درآمد پایین ایجاد می‌شود و این در صورتی محقق می‌شود که اعطای کالاهای اساسی به صورت هدفمند و مؤثر به گروه‌های مشخصی تخصیص یابد تا امنیت غذایی در جامعه بهبود یابد.

در کشور ما در میان روش‌های انتقال پرداخت‌های حمایتی، تاکنون هم روش کالابری و هم روش پرداخت نقدی آزمون شده است. به تازگی نیز کشور به سمت استفاده مجدد از کالابری حرکت کرده و نظام پرداخت‌های نقدی خود را با نظام کالابری الکترونیکی ترکیب کرده است.

۵. کارآمدسازی سیاست‌های حمایتی

براساس ماده ۳۱ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)، وزارت تعاون مکلف است پنجره واحد خدمات حمایتی و پرونده الکترونیک رفاهی افراد یا خانوارها را راه‌اندازی نماید. این امر می‌تواند نویدبخش شکل‌گیری نظام حمایتی متصل به نظام مالیاتی و بهبود توزیع درآمد باشد. درواقع، هدف‌گذاری نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی مسیری است که دولت برای تحقق اهداف ماده ۳۱، باید آن را طی کند. ازاین جهت افزون‌بر ایجاد پنجره واحد حمایتی، تحقق نظام مالیات بر مجموع درآمد کفه دیگر ترازو را تکمیل می‌کند و این دو در کنار یکدیگر، به کارآمدی نظام حمایتی در کشور کمک خواهند کرد.

۵-۱. لزوم یکپارچه‌سازی برنامه‌های حمایتی

با دسته‌بندی برنامه‌های حمایتی در ایران و مقایسه آنها با برنامه‌های حمایتی کشورهای دیگر، این نتیجه حاصل می‌شود که برخی برنامه‌ها به‌طورکلی نیازی به یکپارچه شدن با نظام مالیاتی ندارند؛ چنان‌که در سایر کشورها هم به‌طور مجزا از نظام مالیاتی کار می‌کنند؛ مانند برنامه کمک تغذیه تکمیلی (SNAP) که به‌صورت کالابری غذا در ایالات متحده پرداخت می‌شود و ارتباطی با نظام مالیاتی ندارد؛ درعین حال که این کشور از برنامه‌های مرتبط با نظام مالیاتی مانند اعتبار مالیاتی درآمد کار (EITC) نیز استفاده می‌کند.

برخی برنامه‌ها هم لازم نیست از منابع مالیاتی تأمین مالی شوند؛ بلکه منابع دیگری همچون کمک‌های مردمی می‌تواند منبع خوبی برای ارائه این مزایا باشد. ازجمله طرح اکرام ایتم و محسنین کمیته امداد امام خمینی علیه السلام که در کشور برگزار می‌شود. این طرح توانسته در سال ۱۴۰۱ مبلغ ۳۴ هزار و ۴۹۶ میلیارد ریال کمک از مردم به دست ۴۳۶ هزار و ۵۷۰ نفر از ایتم و محسنین برساند بدون آنکه از منابع مالیاتی دولت استفاده‌ای کرده باشد.

برخی برنامه‌ها نیز لازم نیست طبقه‌بندی شده باشند؛ بلکه با توجه به سهمی که دولت برای پرداخت‌های نقدی به مردم در نظر می‌گیرد می‌تواند به همه پرداخت شود؛ مانند برنامه‌های درآمد پایه همگانی که به همه پرداخت می‌شود و گروه‌های خاصی متمایز نمی‌شوند. در ایران نیز منابع حاصل از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها به میزانی بود که تصمیم گرفته شد به همه افراد جامعه پرداخت شود. عامل دیگری که در این تصمیم‌گیری نقش داشت، منبع مالی برنامه بود که از آنجاکه برآمده از منابع طبیعی کشور بود، متعلق به عموم دانسته می‌شد؛ ازاین‌رو، فواید حاصل از تغییر قیمت آن سهم عموم پنداشته می‌شد. درواقع، عده‌ای بر این عقیده‌اند (اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع، ۱۴۰۰) که چون نفت از منابع طبیعی است به همه افراد جامعه تعلق دارد و عواید ناشی از فروش یا افزایش قیمت آن باید بین همگان تقسیم شود. براساس این، اصولاً طرح هدفمندی یارانه‌ها نمی‌توانسته به اقشار و گروه‌های خاصی اختصاص داشته باشد؛ بلکه طرحی همگانی بوده و ارتباط آن با نظام مالیاتی معنادار نیست؛ زیرا اگر قرار است یک مساعدت اجتماعی به همه دهک‌های درآمدی شود، مرتبط کردن آن با

نظام مالیاتی نه از حیث اطلاعات و داده‌ها سودمند خواهد بود و نه از حیث اجرایی. بنابراین، بخشی از برنامه‌های حمایتی در ایران که بخواهد با سازوکار نظام یکپارچه مالیاتی حمایتی اجرا شود، نیاز به تغییراتی در ساختار و اقدامات متناسب‌کننده‌ای دارد. برنامه‌های موجود عمدتاً طبقه‌بندی شده هستند و تقریباً می‌توان گفت: برنامه حمایتی همگانی در کشور باقی نمانده است. بسیاری از برنامه‌ها نیز از محل درآمدی مالیات تأمین مالی می‌شوند؛ اما برنامه گسترده پرداخت یارانه‌ها، چه به صورت نقدی یا کالا برگی باید از منابع حاصل از اجرای سیاست‌های قیمتی منفصل شود و به نظام مالیاتی بسته شود. مهم‌ترین مؤلفه نیازمند تغییر، حرکت به سمت مالیات پایه کردن برنامه‌هاست که هزینه زیادی می‌طلبد.

۵-۲. رویکرد منتخب برای اقتصاد ایران

مبتنی بر رویکردهای نظام حمایتی یکپارچه و گونه‌شناسی برنامه‌های حمایتی در ایران و با توجه به ظرفیت منابع مالیاتی کشور و سنجش نیاز دهک‌های درآمدی به کالاهای ضروری، به نظر می‌رسد استفاده از کالابرگ الکترونیکی که سابقه مناسبی نیز در کشورمان دارد به عنوان الگوی اولیه بتواند قسمت عمده کمک‌های حمایتی دولت را به سمت نیازهای اصلی با هدف تأمین سبد پایه غذایی کشور انجام دهد. این امر با لحاظ نرخ بالای فرار مالیاتی در کشور، نمود بیشتری می‌یابد؛ زیرا در چنین شرایطی، ارائه حمایت‌های اجتماعی به صورت مزایا منطقی نیست؛ زیرا افراد زیادی نه تنها به صورت مناسبی مالیات پرداخت نمی‌کنند، بلکه غیرعادلانه حمایت‌های اجتماعی نیز دریافت می‌کنند. بنابراین، با هدف توسعه چتر مالیاتی از حیث مؤدیان، ضروری به نظر می‌رسد در دوره گذار، رکن اصلی سیاست‌های حمایتی، برنامه‌های مبتنی بر مالیات باشد تا نظام مالیاتی به تکامل منطقی برسد. با این بیان روشن می‌شود که در ارائه حمایت‌های اجتماعی، باید از رویکردهای مبتنی بر مالیات استفاده کرد.

از سوی دیگر، با در نظر گرفتن مسائل اقتصاد کلان همچون اثرات تورمی تأمین مالی حمایت‌های اجتماعی از سرفصل افزایش قیمت انرژی در عوض اصلاح مدیریت آن، به علاوه عدم اصلاح رابطه مالی دولت نفت و همچنین عملکرد نامناسب صندوق توسعه ملی، به نظر می‌رسد در دوره گذار باید این حمایت‌ها از منابع مالیاتی تعریف شود تا از متورم شدن هزینه‌های بودجه‌ای جلوگیری شود. افزون‌براین، ضعف نظام نظارتی کشور می‌طلبد که از رویکردهای مشروط در نظام‌های یکپارچه دوری شود؛ زیرا احراز شرایط افراد و خانوارها برای ساختار حکمرانی اقتصادی فاقد قدرت لازم در نظارت مؤثر، به مراتب دشوار خواهد بود و منابع را به انحراف خواهد کشاند. بنابراین، از الزامات نظام‌های حمایتی مشروط این است که نظام نظارتی تقویت شود تا دولت بتواند شرایط افراد و خانوارها را برای دریافت کمک‌های حمایتی رصد کند و در کمترین زمان ممکن، نسبت به تغییر وضعیت آنها واکنش نشان دهد تا هم از طرفی منابع اتلاف نشود و هم از طرف دیگر افراد نیازمند، محروم نشوند. این امر صرف هزینه‌های بالایی را می‌طلبد که دلیل دیگری بر دوری از نظام‌های حمایتی مشروط است.

بنابراین، استفاده از نظام کالابرگ الکترونیکی غیرمشروط می‌تواند رویکرد مناسبی برای یکپارچه‌سازی نظام مالیاتی و حمایتی در ایران باشد. در این شیوه استحقاق افراد برای دریافت یارانه یا شمول آنها برای پرداخت مالیات، تحت بانک اطلاعاتی واحد احراز می‌شود که کاهش هزینه‌ها و درصد خطا را به دنبال دارد و در پی آن افرادی که کمک‌های اجتماعی دریافت می‌کنند در قالب کالابرگ الکترونیکی و بدون ملزم شدن به انجام شروطی خواهد بود.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برنامه‌های حمایتی مبتنی بر شرایط و امکانات کشورهای مختلف می‌تواند به گونه‌های مختلفی طراحی شود. عمده برنامه‌ها از درآمد‌های مالیاتی تأمین می‌شوند؛ اما ممکن است با توجه به برخورداری کشورها از منابع طبیعی چون نفت، درآمد‌های حاصل از فروش آنها به عنوان منبعی برای اجرای برنامه‌های حمایتی در نظر گرفته شود. یکی از برجسته‌ترین تمایزاتی که نظام‌های مالیاتی را به نظام حمایتی مرتبط می‌کند، مالیات پایه بودن برنامه حمایتی است که به یکپارچگی نظام مالیاتی حمایتی منجر می‌شود. در نظام‌های مالیاتی حمایتی یکپارچه،

مزایای حمایتی تنها به افرادی تعلق می‌گیرد که سطح درآمدی خاصی داشته باشند و منابع آن نیز از کسانی دریافت می‌شود که از سطح درآمدی معین شده بالاتر باشند. این مسیر، هموارکننده ایجاد پنجره واحد خدمات حمایتی خواهد بود که از مضامین برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت و ماده ۳۱ برنامه هفتم است.

از آنجاکه ناکارآمدی برنامه‌های حمایتی ایران به سبب پراکندگی نهادهای مسئول و گسستگی اطلاعات مالیاتی و حمایتی، موجب هدررفت منابع شده، یکی از راهکارهایی که می‌تواند خلل و آسیب‌های برنامه‌های حمایتی ایران را برطرف کند شفاف‌سازی و یکسان‌سازی اطلاعات از طریق ایجاد ارتباط میان منابع مالی با نظام مالیاتی و شکل‌دهی نظام مالیاتی حمایتی یکپارچه است. چنین رویکردی اگرچه الزاماتی به همراه دارد و هزینه‌هایی بر نظام مالی کشور بار خواهد کرد، اما با ایجاد پنجره واحد خدمات حمایتی، منافع حاصله می‌تواند در زمان کوتاهی، هزینه‌ها را جبران نماید.

منابع

۱. اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها. مصوب ۱۳۸۹/۰۴/۲۷ هیئت وزیران.
۲. اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره). مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۱۵ آستان قدس رضوی.
۳. امیری، جعفر تاش. (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی نظام رفاهی جمهوری اسلامی ایران، براساس مدل سه دولت رفاه گوستا اندرسون». سیاست‌نامه علم و فناوری، ۱۵ (شماره پیاپی ۱۰): ۵-۱۳.
۴. امینی، جمشید، و پروایی، شیوا. (۱۴۰۱). «مرور سیاست‌ها و طرح‌های پرداخت یارانه در نظام رفاه اقتصادی و مساعدت اجتماعی جهان». تهران: سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها. قابل دسترسی در:
<https://ensani.ir/fa/article/541363>
۵. اندیشکده حکمرانی انرژی و منابع. (۱۴۰۰). «بنزین برای همه؛ برقراری عدالت یا کاهش هزینه‌های دولت». سیاست‌نامه. ۲۰۳، قابل دسترسی در:
<https://iranergi.com/2579>
۶. بهرم، حمیدرضا. (۱۴۰۱). «مالیات بر مجموع درآمد (۷): نحوه ارتباط نظام مالیات بر مجموع درآمد با نظام یارانه‌ها. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی». شماره مسلسل ۱۸۶۲۲. قابل دسترسی در:
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1755296>
۷. تاج مزینانی، علی اکبر. (۱۳۸۹). «گونه‌شناسی نظام‌های رفاهی در جهان». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲ (۶): ۲۰۳-۲۳۴.
۸. جان محمدی، امیرحسین؛ عبدالملکی، حجت‌اله و محمدجواد شریف‌زاده. (۱۴۰۳). «بررسی و شناسایی موانع یکپارچه‌سازی نظام حمایتی و نظام مالیاتی در ایران مبتنی بر اعتبار مالیاتی قابل استرداد». مطالعات اقتصاد بخش عمومی، ۳ (۹): ۳۵۵-۳۸۴.
Doi: 10.22126/pse.2024.10197.1098
۹. شهنازی، روح‌الله؛ حسینی، سید عقیل و علیرضا رعنائی. (۱۴۰۳). «تحلیل مقایسه‌ای شوک‌درمانی و اصلاحات تدریجی در هدفمندسازی یارانه بنزین: اهمیت تطبیق‌پذیری نهاد و سازمان». فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۱۳ (۴۸): ۱۱۵-۱۴۶.
Doi:10.22034/es.2024.444089.1738
۱۰. عاملی، سید احمد و ایمان رفیعی. (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی نظام یکپارچه مالیاتی - حمایتی و روش مالیات‌ستانی و پرداخت‌های حمایتی در اسلام». مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۵ (۲): ۶۹۹-۷۳۰.
Doi: 10.30497/IES.2024.245961.2213
۱۱. قانون اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی [بنیاد شهید و امور ایثارگران]. مصوب ۱۳۷۷/۰۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی.
۱۲. قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷). مصوب ۱۴۰۳/۰۴/۱۸ مجلس شورای اسلامی.
۱۳. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی.
۱۴. قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی. مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی.
۱۵. قوانین بودجه سنواتی. مصوبات مجلس شورای اسلامی.
۱۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). «بررسی سیاست‌های حمایتی (۴): برنامه‌های حمایتی مبتنی بر کار. شماره مسلسل ۱۹۵۵۶. قابل دسترسی در:
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1793666>
۱۷. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۹۳). بررسی تجربه‌های جهانی حمایت از خانوار. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

References

18. Alstott, A. L. (1994). The Earned Income Tax Credit and some fundamental institutional dilemmas of tax-transfer integration. *National Tax Journal*, 47(3), 609-619. <https://doi.org/10.1086/NTJ41789095>
19. Āmeli, S. A., & Rafiei, I. (2023). A comparative study of the integrated tax-support system and the method of taxation and support payments in Islam. *Islamic Economics Studies*, 15(2), 699-730. <https://doi.org/10.30497/IES.2024.245961.2213> [In Persian]
20. Āmeli, Seyed-Ahmad & Rafiei, Iman (2023). "Comparative Study of Integrated Tax-Support Systems and Methods of Taxation and Support Payments in Islam." *Islamic Economics Studies*, 15(2), 699-730. <https://doi.org/10.30497/IES.2024.245961.2213>
21. Amini, Jamshid & Parvaei, Shiva (2022). *Review of Subsidy Policies and Payment Schemes in Global Economic Welfare and Social Assistance Systems*. Tehran: Targeted Subsidies Organization. Available at: <https://ensani.ir/fa/article/541363> [In Persian]
22. Amiri, J. (2015). Typology of Islamic Republic of Iran welfare system based on Anderson's three welfare states model. *Science and Technology Policy Letters*, 5(1), 5-13. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24767220.1394.05.1.1.7> [In Persian]
23. Amiri, Jafar-Tash (2015). "Typology of the Welfare System in the Islamic Republic of Iran Based on Gøsta Esping-Andersen's Three Welfare State Models." *Science and Technology Policy Letters*, 10, 5-13.
24. *Annual Budget Laws*. Approved by the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
25. Atkinson, A. B., et al. (1995). *Public economics in action: The basic income/flat tax proposal*. Oxford University Press.
26. Bahreman, H. R. (2023). Total income tax (7): How the total income tax system relates to the subsidies system. *Report of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly*, No. 18622. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1755296> [In Persian]
27. Bahreman, Hamid-Reza (2022). *Comprehensive Income Tax (Part 7): The Relationship Between Comprehensive Income Tax System and Subsidy System*. Report No. 18622, Islamic Parliament Research Center. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1755296> [In Persian]
28. Buti, M., Franco, D., & Pench, L. R. (2000). *Reconciling the welfare state with sound public finances and high employment*. European Commission Working Paper.
29. *Charter of Imam Khomeini Relief Committee*. Approved by Astan Quds Razavi on 4 April 2015. [In Persian]
30. *Charter of the Martyrs and Veterans Foundation*. Approved by the Islamic Consultative Assembly on 17 May 1998. [In Persian]
31. *Charter of the Targeted Subsidies Organization*. Approved by the Council of Ministers on 17 July 2010. [In Persian]
32. Coe, D. T., & Snower, D. J. (1997). [Title missing]. *IMF Staff Papers*, 44(1), [pages missing].
33. Crandall-Hollick, M. L., Falk, G., & Boyle, C. F. (2021). *The Earned Income Tax Credit (EITC): How it works and who receives it*. Congressional Research Service.
34. Duboin, J. (1932). *La Grande Relève des hommes par la machine*. Fustier.
35. Energy and Resources Governance Think Tank (2021). *Gasoline for All: Establishing Justice or Reducing Government Costs?* Policy Bulletin No. 203. Available at: <https://iranergi.com/2579> [In Persian]
36. Fitzpatrick, T. (1999). *Freedom and security*. St. Martin's Press.
37. Friedman, M. (1962/1982). *Capitalism and freedom*. University of Chicago Press.
38. Gentilini, U., & Grosh, M. (2020). UBI as social assistance: Comparative models and instruments. In *Exploring*

- universal basic income* (pp. [page range missing]). World Bank.
39. Institute for Management and Planning Studies (2014). *Study of Global Experiences in Household Support*. Tehran: Institute for Management and Planning Studies. [In Persian]
 40. Institute for Management and Planning Studies. (2014). *A study of global experiences in family support*. <https://www.imps.ac.ir/> [In Persian]
 41. Iranian Institute of Energy and Resources Governance. (2022). *Gasoline for all: Establishing justice or reducing government costs* (Policy Bulletin No. 203). <https://iranergi.com/wp-content/uploads/2022/02/> [In Persian]
 42. Islamic Consultative Assembly Research Center. (2023). *Review of supportive policies (4): Work-based supportive programs* (Report No. 19556). <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1793666> [In Persian]
 43. Islamic Parliament Research Center (2023). *Review of Supportive Policies (Part 4): Work-Based Support Programs*. Report No. 19556. Available at: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1793666> [In Persian]
 44. Janmohammadi, A. H., Abdolmaleki, H., & Sharifzadeh, M. J. (2024). Investigating and identifying obstacles to the integration of social assistance system and tax system in Iran based on refundable tax credit. *Public Sector Economics Studies*, 3(3), 355-384. <https://doi.org/10.22126/pse.2024.10197.1098> [In Persian]
 45. Janmohammadi, Amir-Hossein; Abdolmaleki, Hojatollah; & Sharifzadeh, Mohammad-Javad (2024). "Investigating and Identifying Barriers to Integration of Supportive and Tax Systems in Iran Based on Refundable Tax Credit." *Public Sector Economics Studies*, 3(9), 355-384. <https://doi.org/10.22126/pse.2024.10197.1098>
 46. *Law on the List of Non-Governmental Public Institutions*. Approved by the Islamic Consultative Assembly on 9 July 1994. [In Persian]
 47. *Law on the Structure of Comprehensive Welfare and Social Security System*. Approved by the Islamic Consultative Assembly on 10 May 2004. [In Persian]
 48. Lind, M. (2012, August 7). Thank you, Milton Friedman: How conservatives' economic hero helped make the case for big government. *Salon*. https://www.salon.com/2012/08/07/thank_you_milton_friedman/
 49. Lustig, N. (Ed.). (2018). *Commitment to equity handbook: Estimating the impact of fiscal policy on inequality and poverty*. Brookings Institution Press.
 50. OECD. (1997). *Societal cohesion and the globalising economy: What does the future hold?* OECD Publishing.
 51. Orszag, J. M., & Snower, D. J. (1998). Expanding the welfare system: A proposal for reform. In *The welfare state in Europe: Challenges and reforms* (pp. 101-117). European Communities.
 52. Parvāei, S., & Amini, J. (2023). Making targeted subsidies policy: A review of some global experiences and lessons for Iran. *Monthly Journal of Economic Security*, 10(12). <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354188.1401.10.12.5.6> [In Persian]
 53. Rolph, E. R. (1967). The case for a negative income tax device. *Industrial Relations*, 6(2), 155-165.
 54. *Seventh Five-Year Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2024-2028)*. Approved by the Islamic Consultative Assembly on 7 July 2024. [In Persian]
 55. Shahnazī, R., Hosseiny, S. A., & Raanaei, A. (2024). A comparative analysis of shock therapy and gradual reforms in fuel subsidies: The significance of institutional and organizational adaptability. *Economic Strategy*, 13(48). <https://doi.org/10.22034/es.2024.444089.1738> [In Persian]
 56. Shahnazī, Ruhollah; Hosseini, Seyed-Aghil; & Ranaei, Alireza (2024). "Comparative Analysis of Shock Therapy and Gradual Reforms in Gasoline Subsidy Targeting: The Importance of Institutional and Organizational Adaptability." *Economic Strategy Quarterly*, 13(48). <https://doi.org/10.22034/es.2024.444089.1738>

57. Snower, D. J. (1995a). *Unemployment benefits versus conditional negative income taxes* (IMF Working Paper No. 95/65).
58. Snower, D. J. (1995b). Evaluating unemployment policies: What do the underlying theories tell us? In *Staff studies for the World Economic Outlook*. IMF.
59. Snower, D. J. (2004). Creating employment incentives. In B. Marin, D. Meulders, & D. J. Snower (Eds.), *Innovative employment initiatives* (pp. 317-346). Ashgate.
60. Taj Mazinani, A. A. (2011). Typology of welfare systems around the world. *Social Development & Welfare Planning*, 2(6), 203-234. https://qjssd.atu.ac.ir/article_3594.html [In Persian]
61. Taj-Mazinani, Ali-Akbar (2010). "Typology of Welfare Systems in the World." *Social Welfare and Development Planning Quarterly*, 6, 203-234.
62. Ter-Minassian, T. (2020). Financing a universal basic income: A primer. In U. Gentilini et al. (Eds.), *Exploring universal basic income* (pp. 174-175). World Bank.
63. U.S. Internal Revenue Service. (2023). Tax credits for individuals: What they mean and how they can help refunds. <https://www.irs.gov/newsroom/tax-credits-for-individuals-what-they-mean-and-how-they-can-help-refunds>
64. Van Parijs, P. (1991). Why surfers should be fed: The liberal case for an unconditional basic income. *Philosophy & Public Affairs*, 20(2), 101-131.
65. Van Parijs, P., & Vanderborght, Y. (2017). *Basic income: A radical proposal for a free society and a sane economy*. Harvard University Press.
66. Ventry, D. J., & Crawford, B. J. (2009). Welfare by any other name: Tax transfers and the EITC. In A. C. Infanti (Ed.), *Critical tax theory: An introduction* (pp. 283-289). Cambridge University Press.